

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سیمای فرزندگان اردکان

زندگی نامه و خاطرات علمای اردکان

سید اسماعیل شاکر اردکانی

سرشناسه : شاکر اردکانی، سیداسماعیل، ۱۳۵۶ -
 عنوان و نام پدیدآور : سیمای فرزندگان اردکان : زندگینامه و خاطرات علمای اردکان /
 سیداسماعیل شاکر اردکانی. مشخصات نشر : قم: فرهنگ اهل بیت (ع)، ۱۳۹۹.
 مشخصات ظاهری : ۴۸۸ ص: ۵/۱۴ × ۵/۲۱ س.م.
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۵۳۶۶۴۹-۵ وضعیت فهرست نویسی : فیبا
 عنوان دیگر : زندگینامه و خاطرات علمای اردکان
 موضوع : مجتهدان و علما -- ایران -- اردکان (یزد)
 موضوع : (Ulama -- Iran -- Ardakan (Yazd)
 رده بندی کنگره : ۲/BP۵۵ رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۹۶
 شماره کتابشناسی ملی : ۷۲۸۷۹۵۰



مجلس شورای اسلامی ایران
 کتابخانه

سیمای فرزندگان اردکان

(زندگی نامه و خاطراتی از علمای اردکان)

تألیف: سید اسماعیل شاکر اردکانی

ناشر: فرهنگ اهل بیت

طرح جلد و صفحه آرایی: جواد شهبازی

نوبت و سال چاپ: اول ۱۳۹۹

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

قیمت: ۵۵۰/۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۳۶۶۴۹-۵

فهرست مطالب

۲۵	پیش گفتار
۲۷	تقریظ حضرت آیت الله اعرافی

کتاب اول: کریم الاخلاق

آیت الله العظمی حاج شیخ محمدحسین فاضل اردکانی

۳۲	مقدمه
۳۳	راه رسیدن به کمال
۳۴	نکته ای راهگشا
۴۰	از «فاضل اردکانی» چه می دانید؟
۴۳	تاریخچه ای مختصر از حوزه علمیه اردکان
۴۴	ولادت در خانواده اهل علم
۴۴	خواب جدّ اعلای فاضل اردکانی
۴۶	شجره نامه آخوند فاضل اردکانی
۴۷	استادی با نفس رحمانی
۴۷	زندگی نامه استاد و عموی آیت الله فاضل اردکانی
۴۸	آزادی از زندان به دستور امیرکبیر
۴۹	در محضر شهید ثالث و شریف العلماء
۴۹	دریافت لقب فاضل
۵۰	کرسی تدریس در صحن امام حسین علیه السلام
۵۰	اقامه نماز جماعت در خیمه گاه امام حسین علیه السلام
۵۱	تربیت شاگردان بزرگ

۵۴	صدور اجازه اجتهاد برای شاگردان
۵۵	نمونه‌ای از اجازه اجتهاد
۵۵	عنایت ویژه به شاگرد
۵۶	آینده‌بینی شاگرد
۵۷	مقام علمی فاضل اردکانی
۵۸	اعلمیت علمی آخوند اردکانی
۵۸	یگانه دوران! عطش مرا فرو نشاند
۵۹	نوآوری علمی آیت‌الله فاضل اردکانی
۶۰	آخوند خراسانی در محضر درس فاضل
۶۰	آثار قلمی
۶۱	تقریرات درس اصول
۶۲	ویژگی‌های غایه المستوفول
۶۳	تقریظی از آیت‌الله فاضل اردکانی
۶۵	توصیفات بزرگان از ایشان
۶۶	توصیفات آیت‌الله بهجت از فاضل اردکانی
۶۷	فحش‌های آدم ساز!!
۶۷	نفس کشتگی!
۶۸	بحث و مناظره شیخ انصاری و فاضل اردکانی
۶۸	پاسخ طلبه
۶۸	بی‌پیرایگی و حق‌گویی
۶۹	نجات ریشم از جهنم!
۷۱	مال حضرت ولی عصر علیه السلام و رضایت ایشان
۷۱	شوخی‌های صریح اردکانی‌ها
۷۲	وضو ندارم
۷۲	عمداً زیر بار مرجعیت نرفت
۷۳	... شستن که این همه دوندگی نمی‌خواهد!

- ۷۴ رفت و آمد در بین مردم
- ۷۵ حکایتی از زبان آیت الله خاتمی
- ۷۶ باد کله
- ۷۶ دست چه کسی را می بوسی؟!
- ۷۷ این حقه بازی ها چیه؟ آدم باید آدم بشه!
- ۷۷ تأثیر روحیات فاضل اردکانی بر علمای اردکانی
- ۷۹ تربیت شاگردان اخلاقی
- ۷۹ نفوذ کلام
- ۷۹ رونق کاسبی
- ۸۰ نمی دانم!
- ۸۱ مرگ فاضل اردکانی و افتادن مناره امام حسین (علیه السلام)!
- ۸۲ جان دادنی شگفت!!!
- ۸۴ نحوه جان دادن شاگرد فاضل اردکانی
- ۸۴ تاریخ وفات
- ۸۵ دفن در حائر حسینی
- ۸۶ کتاب نامه
- ۹۰ تصاویر و اسناد

کتاب دوم: الکوی وقار

آیت الله حاج ملا محمد حائری اردکانی

- ۹۴ تقریظ استاد سید محمد موسوی زاده
- ۹۵ سابقه عالم پروری در شهر اردکان
- ۹۶ از مسجد زیرده تا خانه حاج ملا محمد
- ۹۷ زندگی نامه مختصر
- ۹۸ حکایتی از تحصیل در اردکان
- ۹۸ هجرت به اصفهان و نجف
- ۹۹ بازگشت به اردکان

- ۱۰۰ در نجف بماند؛ مرجع می شود!
- ۱۰۱ وجهه علمی
- ۱۰۱ نامه آیت الله خاتمی به حاج ملا محمد حایری
- ۱۰۴ شاگردان حاج ملا محمد در اردکان
- ۱۰۵ احترام استاد
- ۱۰۶ نامه سراسر ارادت اخوان بهجتی به آیت الله حائری
- ۱۰۸ نامه پر محبت مرحوم حاج شیخ علی بهجتی
- ۱۱۰ امتحان طلاب در منزل حاج ملا محمد
- ۱۱۱ اداره مسجد و جماعت منظم
- ۱۱۲ عمل صالح و هواپیما
- ۱۱۳ سحر خیزی
- ۱۱۳ نظم و وقار شگفت
- ۱۱۴ رو به قبله نشستن
- ۱۱۴ کوه علم و وقار
- ۱۱۴ جاذبه اخلاقی
- ۱۱۵ دیدار فلسفی
- ۱۱۶ برو ای مرغِ بهشت!! (متانت در عصبانیت)
- ۱۱۷ مهربانی و شاگردپروری
- ۱۱۸ جهنمی تر کردند!!
- ۱۱۸ حاضر جوابی به روحانی بهایی
- ۱۱۸ هیبت حاج ملا محمد و مرحوم فلسفی
- ۱۱۹ تسبیح حسن شاه تقی
- ۱۱۹ الاغ جوان به کارم نمی آید!
- ۱۲۰ تواضع و احترام نسبت به علمای دیگر
- ۱۲۰ مرجع مشکلات همه
- ۱۲۰ حساس بودن نسبت به سادات

۱۲۱	بالا خانه
۱۲۲	طرفداری از بابی‌ها!
۱۲۲	راه برخورد با بابی‌ها
۱۲۲	نظم عجیب و حضور ذهن شگفت
۱۲۳	مهربانی با بچه‌ها
۱۲۳	برای پول کار نمی‌کنم!
۱۲۴	صبر در داغ فرزندان
۱۲۵	تسلط بر مسائل ارث
۱۲۵	یاد رسول اکرم صلی الله علیه و آله
۱۲۵	ارادت به اهل بیت علیهم السلام و انتخاب نام محمد
۱۲۶	در بهشت سیگار هست؟!
۱۲۶	تبریک غدیر
۱۲۷	وقار و عصا
۱۲۷	حسن قضاوت
۱۲۸	حق با بهایی است!
۱۲۹	جلسه رفع دعوا با قرائت قرآن
۱۲۹	تذکر دادن با ادب
۱۲۹	فرزندان
۱۳۰	امانت‌دار زرتشتی‌ها
۱۳۰	ارزش مهر حاج ملا محمد
۱۳۱	ذکر دائم
۱۳۲	دید باز
۱۳۲	دور اندیشی
۱۳۳	شیوا نویسی
۱۳۳	نوشتن قرآن در مکه مکرمه
۱۳۳	فرار از ونا

نامی ز مرگ نیست به دولت سرای علم
 بوی حیات می‌وزد از، خاک کوی ما
 ما در قلوب خلق همه عمر زنده ایم
 آب حیات رشک ببرد، ز ابروی ما

مقدمه

زندگی عالمان عامل و دانشمندان پارسا و مردان راه حق، آیتی از زیبایی و برترین نوع زندگی است که می‌تواند برای طالبان طریق کمال و جستجوگران راه نجات، نمونه‌ای عینی و الگویی عملی به شمار آید. نگارش زندگی عالمان ربانی افزون بر ارزش تاریخی، در ارتقای بُعد معنوی و اخلاقی افراد و جوامع نقش بسزایی دارد و این موضوع اهمیت ثبت و ضبط خاطرات زندگی آن‌ها را مضاعف می‌سازد.

و شاید به جهت همین آثار باشد که در روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) اشاراتی به ثبت تاریخ زندگی بزرگان رفته است. نمونه آن که از رسول مکرّم، حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نقل شده که:

مَنْ وَرَّخَ مُؤْمِنًا فَكَأَنَّمَا أَحْيَاهُ^۱

هر کس تاریخ زندگی مؤمنی را بنگارد؛ مانند آن است که او را زنده کرده است.
 و در موردی دیگر از ایشان منقول است که:

عِنْدَ ذِكْرِ الصَّالِحِينَ تُنْزَلُ الرَّحْمَةُ^۲

هر جا شایستگان یاد شوند؛ رحمت خدای فرو ریزد.

۱. سفینه البحار، ج ۸، ص ۴۳۵، ماده وَرَّخَ

۲. تذکرة الأولیاء، ص ۱۴

کلام نغز امیرالمؤمنین (علیه السلام) نیز بر این امر اشارت دارد، که به فرزندش امام حسن مجتبی (علیه السلام) فرمودند:

«پسر من! قلبت را با موعظه زنده کن... اخبار زندگی گذشتگان را برایش باز گو، به دیار گذشتگان سر بزنی و آثارشان را بنگر و اعمالشان را بررسی کن... من اگر چه با گذشتگان زندگی نکرده‌ام، اما چنان در تاریخ و احوال پیشینیان غور و نظر کرده‌ام که گویا با آنان زیسته‌ام و یکی از آنانم.»^۱

راه رسیدن به کمال

بسیاری علاقه دارند در مسیر زندگی خود راه کمال را پیموده، و در عرصه معنویت و کمال گام بردارند؛ اما راه آن را نمی‌دانند، دسترسی به راهنما و مربی اخلاق نیز ندارند، چه باید بکنند؟ بزرگان فرموده‌اند:

«بهترین وسیله، مطالعه سرگذشت عالمان و بزرگان اخلاقی است. به ویژه ذکر خاطراتی که از زندگی اخلاقی آنان باقی مانده است.»^۲

از آیت‌الله بهجت نقل شده است که:

«هر کس طالب تهذیب و ترقی در امور معنوی است و می‌خواهد از عمر خود استفاده کند، شایسته است به شرح احوال علمای سلف نگاه کند.»^۳

مطالعه سرگذشت صالحان چنان در تهذیب نفس و کسب مکارم اخلاقی و کمالات انسانی مؤثر است، که یکی از دستورات علمای اخلاق برای کسب صفات اخلاقی همین مطالعه زندگی نیکان است. نمونه آن که در کتب اخلاق برای رسیدن انسان به مرتبه «خوف» آمده است:

«در تحصیل یقین بکوشد، همواره در احوال قیامت و انواع عذاب‌های آخرت بیندیشد، به مواعظ هشدار دهنده گوش فرا دهد و در احوال خائفان

۱. نامه ۳۱ نهج البلاغه: فأحی قلبک بالموعظه... و أعرض علیه أخبار الماضین... یا بنی‌اُئی و إن لم اکُن قد عُمِرَ عمر من کان قبلی فقد نظرت فی أعمارهم و فکرت فی أخبارهم و سرت فی آثارهم حتی عدت كأحدهم.

۲. یادها و یادگارها (خاطراتی از علامه طباطبائی)، ص ۷

۳. زمزم عرفان (یادنامه فقیه عارف حضرت آیت‌الله بهجت)، ص ۹۷

اعمّ از انبیا و اولیاء و عرفا بنگرد و سرگذشت آنها را مطالعه کند.^۱
توضیح آن که هم‌نشینی و هم‌صحبتی از بزرگ‌ترین عوامل مؤثر در تربیت و سرنوشت انسان‌هاست و رفاقت‌ها و رفت و آمدها - خوب و بدش - خواه ناخواه در اخلاق و رفتار و اعتقاد انسان اثر می‌گذارد. «حافظ» راست گفت که:
تو را از برگ گل هر چند دامن پاک تر باشد

مشو با نامحرمان هم‌ره، که صحبت را اثر باشد
و از آن سوی هم‌نشینی و هم‌دمی با مردان الهی و عالمان ربّانی از
مهم‌ترین عوامل فلاح و رستگاری است؛ چنان که از امام سجّاد (علیه السلام) نقل
شده است که:

مُجَالَسَةُ الصَّالِحِينَ دَاعِيَةٌ إِلَى الصَّلَاحِ؛^۲

هم‌نشینی و هم‌دمی با صالحان و نیکان انسان را به راه درست سوق می‌دهد.
«مولوی» هم در سفارش به هم‌نشینی انسان‌های خود ساخته و راه
پیموده و اثر سرنوشت سار آن می‌گوید:

هر که خواهد هم‌نشینی خدا
از حضور اولیاء گربگسلی
گویشیند در حضور اولیا
تو هلاکی، زان که جزو بی‌کلی
چون شوی دور از حضور اولیا
در حقیقت گشته ای دور از خدا^۳

نکته‌ای راهگشا

نکته راهگشا این‌جاست که، مطالعه حکایات و خاطرات زندگی بزرگان، خود نوعی هم‌نشینی و مصاحبت معنوی با آنان است و خواننده را در پیچ و خم طریق خود سازی راهنمایی می‌کند. و این است یکی از رموز سفارش بزرگان به مطالعه زندگی اولیاء الهی و عالمان ربّانی.
از دیگر آثار مطالعه زندگی عالمان، پی بردن به عیب و نقص‌ها و کم و کاستی‌های خود است.

۱. جامع السعادات، ج ۱، ص ۲۳۲

۲. الکافی، ج ۱، ص ۲۰

۳. مثنوی معنوی، چاپ اقبال، ص ۲۷۲ و ۲۷۴